



توسعه کوثری در چهارچوب اخلاق الاهی

از دیدگاه آیت الله جوادی آملی

سیدرضا حسینی^۱

چکیده

«توسعه اقتصادی» یکی از جنبه‌های توسعه به مفهوم وسیع آن است که در دوره جدید، به ویژه پس از جنگ جهانی دوم، عالی‌ترین هدف و آرمان اجتماعی بسیاری از کشورهای جهان بوده است. توسعه اقتصادی از کشورهای غربی آغاز گردید و بر مبنای اعتقادی، انسان‌شناختی و اخلاقی خاصی استوار است. از این رو، برای بسیاری از اندیشمندان مسلمان، این سؤال مطرح گردید که آیا اصولاً توسعه اقتصادی امری ممدوح است؟ اگر چنین باشد، آیا چنین چیزی با عقاید و اخلاق اسلامی، سازگاری دارد؟ هدف این مقاله، بررسی این مسأله از دیدگاه حکیم متأله آیت الله جوادی آملی است. یافته‌های مقاله، نشان می‌دهد که از دیدگاه ایشان، دو نوع توسعه اقتصادی وجود دارد که یکی ممدوح است (توسعه کوثری) و دیگری، ملموم (توسعه نکاثری). توسعه کوثری توسعه‌ای است که در درون خود، متضمن رشد مستمر تولید، پیشرفت فنی، شکوفایی علمی و فراوانی امکانات رفاهی است؛ اما در عین حال، بر اخلاق و ارزش‌های الاهی نیز مبتنی است. از این رو، نه تنها امری مجاز، که واجب است. ایشان برخی مختصات نظری چنین توسعه‌ای را در حوزه‌های مختلف، از جمله در تولید، توزیع و مصرف، بیان نموده، معتقدند با تلاش علمی بیش‌تر در گزاره‌های ارزشی و دانشی اسلام، می‌توان الگوی کاملی از چنین توسعه‌ای را طراحی و اجرا کرد.

کلیدواژه‌ها: اخلاق الاهی، پیشرفت اقتصادی، توسعه کوثری و نکاثری، اخلاق اقتصادی، جوادی آملی.

۱. عضو هیأت علمی گروه اقتصاد پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

مقدمه

پیشرفت اقتصادی، به عنوان یک هدف، همواره مورد توجه ملت‌ها، مکاتب و جوامع مختلف بوده است. در چند سده اخیر، الگویی از پیشرفت اقتصادی در جوامع غربی به وجود آمد که به دلیل برخورداری از برخی جنبه‌های مثبت، مانند شکوفایی علمی، پیشرفت‌های سریع در عرصه فناوری و توسعه امکانات رفاهی، از سوی بسیاری از اندیشمندان و دولت‌های جهان، مطلوب تلقی گردید و در صدر برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی دولت‌ها قرار گرفت. بروز چنین پدیده‌ای در غرب همراه با دگرگونی‌هایی در بینش‌ها و ارزش‌های اخلاقی حاکم بر جوامع غربی از جمله دنیاطلبی، ستایش جمع مال و ثروت، و ترویج مصرف‌گرایی و مانند آن، صورت گرفت از این رو، این پدیده با ارزش‌های اسلامی مانند زهد در دنیا، قناعت در مصرف و... تعارض داشت. اصل مطلوبیت این پدیده و چگونگی جمع میان آن و اخلاق و عقاید اسلامی، بحث‌های دردرسازي ایجاد کرد. برخی اندیشمندان مسلمان در مواجهه با این پدیده، راه سکولاریسم را پیمودند؛ برخی بر این ایده تأکید نمودند که با دستیابی به توسعه اقتصادی، زمینه برای پیاده کردن ارزش‌های اخلاقی و تعالیم دینی فراهم خواهد شد؛ برخی نیز زندگی در فضای تحولات مداوم تکنولوژیکی و تنوع روزافزون در امکانات مصرفی را مغایر با معنویت و سبک زندگی اسلامی قلمداد کرده‌اند. استاد معظم آیت الله جوادی آملی ضمن رد «توسعه تکاثری» غرب، نوع دیگری از توسعه اقتصادی را تحت عنوان «توسعه کوثری» مطرح نموده‌اند که مبتنی بر اخلاق الهی است و از نظر نتایج و دستاوردها نیز ضمن این‌که تمام جنبه‌های مثبت پیشرفت اقتصادی غرب را در پی خواهد داشت، از پیامدهای منفی آن در امان خواهد بود.

این مقاله برای تبیین مناسب دیدگاه ایشان، ابتدا زیرساخت‌های اعتقادی و اخلاقی توسعه غربی و ساختار دانش اقتصادی برآمده از آن را بررسی می‌نماید. سپس به بررسی میزان مطلوبیت پیشرفت اقتصادی و مبانی بینشی و اخلاقی توسعه اقتصادی مطلوب و

برخی از ابعاد کلی آن در سه زمینه اصلی رفتارهای اقتصادی یعنی تولید، توزیع و مصرف، خواهد پرداخت.

بررسی های این تحقیق نشان می دهد که از دیدگاه ایشان، دو نوع الگوی پیشرفت اقتصادی وجود دارد: یکی مبتنی بر اخلاق دنیاگرایی و مال پرستی است که «الگوی تکاثری» نامیده می شود؛ و دیگری، مبتنی بر اخلاق الاهی است که از آن با عنوان «الگوی کوثری» یاد می شود. هر کدام از این دو الگو، متضمن دستگاہ بینشی و اخلاقی جداگانه، شاخصه ها و دستاوردهای خاص خود می باشند. در دستگاہ بینشی و اخلاقی الاهی، پیشرفت اقتصادی، امری واجب تلقی می شود و سازوکارهای علمی و رفتاری متناسب با آن نیز وجود دارد که با جهاد علمی، قابل کشف و عرضه است.

۱- اخلاق طبیعی مبنای الگوی توسعه تکاثری

مهم ترین و اولین ویژگی ای که الگوی توسعه اقتصادی غرب را از پیشرفت مطلوب اسلامی متمایز می سازد، نگرش آن نسبت به جهان هستی و اصول اخلاقی آن نسبت به ارزیابی خوب و بد رفتارهای انسانی است که در این بخش به بررسی آن ها خواهیم پرداخت. نقطه آغاز توسعه اقتصادی امروز جوامع غربی، تحولات عمیق فرهنگی، اعتقادی و اجتماعی ای بود که در سده های پس از رنسانس در این جوامع رخ داد. تفکر مذهبی دوران قبل از رنسانس، الاهیات و حیانی بود. پس از رنسانس، این تفکر از صحنه امورات اجتماعی کنار نهاده شد و تفکر «دئیسم» (الاهیات طبیعی) جای آن را گرفت. ویژگی عمده این مسلک، اتکا به عقل انسان و بی نیازی او از تعالیم آسمانی و نفی ارتباط خداوند با عالم طبیعت پس از خلقت است. (ر.ک: باربور، ۱۳۶۲، ص ۷۵-۷۶).

اقتصاددانان مکتب فیزیوکرات اولین کسانی بودند که تفکر دئیسم را در باب اقتصاد پیاده نمودند. «آنان قانون طبیعت را بهترین قانون برای تنظیم روابط اجتماعی دانستند که کافی است آن ها را درک کنیم تا از آن ها تبعیت نماییم. (ژید و ژست، ۱۳۷۰، ص ۲).

در نظام اخلاقی جوامع اروپایی، پیش از تحولات سده‌های اخیر، فضایل و رذایل اخلاقی هر یک تعریف و جایگاه متمایزی در تعریف و تعیین سعادت و شقاوت انسان داشتند. برنارد ماندویل در کتاب خود «افسانه زنبورهای عسل یا فساد خصوصی خیر عمومی» این مرزبندی را به هم ریخت و معتقد شد که ثروت، هنرهای زیبا و علوم، ناشی از فضایل مردم نیست؛ بلکه از چیزهایی است که او آن‌ها را رذایل و عیوب نامید. یعنی همان خواهش‌های طبیعی بی‌شمار که ما را طالب راحت و رفاه و تجمل و سایر لذایذ زندگی می‌کنند. بنا بر عقیده خاص ماندویل کمک به فقرا، قناعت و امثال آن با وجود داشتن ظاهری اخلاقی و خیرخواهانه، موجب رکود و در نهایت شر خواهد شد. ولی اسراف و تبذیر در مصرف و واردات کالاها و لوکس در حالی که ظاهری غیر اخلاقی دارند، باعث شکوفایی اقتصادی می‌شوند. (دادگر، ۱۳۸۳، ص ۲۰۲). اسمیت در کتاب «نظریه احساسات اخلاقی» خویش، ماندویل را که خواهش‌ها و ذوق‌های ایرادناپذیر انسانی را رذایل نامیده، سرزنش می‌کند و می‌گوید تنها نفع شخصی (نه به عنوان عیب بلکه به عنوان یک فضیلت) است که بی‌آن که بدانیم یا بخواهیم، به طور طبیعی جامعه را به بهبود و رفاه و آبادی سوق می‌دهد (ژید و ژریست، ۱۳۷۰، ج ۱، ص ۸۴-۸۵). جرمی بنتام با بیان صریح‌تری در این باره وارد شد و خیر و خوشبختی را از اساس، مترادف با بهره‌مندی یا مطلوبیت و یا لذت حاصل از مصرف کالاها و خدمات معرفی نمود (فیتزپتریک، ۱۳۸۱، ص ۳۰). هابز، یکی از فیلسوفان دوره جدید غرب، می‌گوید: «عقل انسان در تحلیل نهایی، بنده و خدمتگزار شهوات اوست؛ و چون عقل آدمی متکی به شهوات اوست، تنها وظیفه‌اش این است که به وسیله جستجوی عواملی که می‌توانند شهوات را ارضا کنند، در خدمت انسان قرار گیرد» (جونز، بی تا، ج ۲، ص ۴۹۰).

در واقع، در این دیدگاه‌ها نکته بسیار حائز اهمیت، این بود که معیار اخلاقی فعل بر معیار غریزی آن، منطبق گردید.

اقتصاددانان کلاسیک، با اعتقاد به حاکمیت اجبارهای غریزی و سودپرستانه بر جوامع

انسانی، «نفع طلبی فردی» را تنها انگیزه رفتار آدمی و پی گیری «نفع شخصی» را در شرایط آزاد طبیعی (بازار رقابتی)، قانون طبیعت برای تأمین منافع فردی و خیر همگانی، معرفی نمودند. آنان بر این اساس، قاعده عمومی رفتار اقتصادی انسان را دستیابی به «حداکثر مطلوبیت و حداکثر سود یا درآمد» (ر.ک: انصاری و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۶۴ و ۸۱) دانستند و با ابتدای نظریه های علم اقتصاد براساس آن، ادعا نمودند که محدوده مسائل و موضوعات اقتصادی، همانند موضوعات علوم تجربی، از مسائل اخلاقی و ارزشی جداست. بررواین تفکر نقطه آغازی بود برای جدا شدن انسان از تعالیم انسان سازادیان الاهی و سرگشتگی او در ظلمتکده طبیعت؛ و نطفه تمام علوم سکولار جدید از جمله اقتصاد با همین دیدگاه، بسته شد. آزادی اقتصادی به معنای نفی دخالت دولت و رهایی از تمامی فرامین مذهبی و قیود اخلاقی، تعادل خودکار مکانیکی، مکانیسم بازار رقابتی، جدایی اقتصاد از اخلاق متعالی و ارزشهای ولای انسانی، ره آورد اخلاق طبیعت گرایانه است. در ساختار علمی ای که با این منطق شکل می گیرد، نه عالم و پژوهشگر اعتقاد مؤثری به دین دارد و نه در غایت مطالعات علمی، جایی برای اهداف برگرفته از دین وجود دارد؛ و نه در منابع شناخت، به معارف دینی کاری هست. مهارچنین علمی صرفاً به دست هوای سرکش انسان است که نتیجه ای جز گمراهی و جاهلیت مدرن نخواهد داشت. چنان که قرآن کریم می فرماید:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ * وَأَخَذَ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ * وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يَهْلِكُنَا إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ ﴿۲۳-۲۴﴾ (جاثیه / ۲۳-۲۴).

۱. پس آیا دیدی کسی را که هوس خویش را معبود خود قرار داده و خدا او را دانسته گمراه گردانیده و برگوش او و دلش مهرزده و بر دیده اش پرده نهاده است؟ پس از خدا چه کسی او را هدایت خواهد کرد؟ آیا پسند نمی گیرید. گفتند غیر از زندگانی دنیای ما [چیز دیگری] نیست. می میریم و زنده می شویم و ما را جز



بدین ترتیب، روشن می‌شود که توسعه اقتصادی کنونی غرب، مولودی است که انعقاد نطفه آن با نفی دخالت و هدایت تکوینی و تشریحی خداوند و نقش آن در تنظیم روابط اجتماعی و ترسیم نظامات زندگی، ورشد و نمو آن مبتنی بر تنزل انسان از مقام والای خلیفه الهی به مرتبه پایین حیوانیت و مادیت، تقدیس برخی رذایل اخلاقی و نفی ارزش‌های والای انسانی و تعالیم مذهبی و خدمت‌گزاری عقل برای شهوات است. روشن است که چنین توسعه‌ای هیچ‌گاه در نظام ارزشی و دستگاه اخلاقی اسلام به رسمیت شناخته نخواهد شد؛ هرچند که مراتب بالایی از رونق اقتصادی را به همراه آورده باشد. از این رو ملاحظه می‌کنیم در برخی آیات قرآن کریم از سرنوشت اقوامی یاد شده که پس از فراموشی یاد خدا و دستورات دینی، به چنان پیشرفتی از امکانات مادی دست یافتند که موجبات حیرت و شگفتی ناظران را برانگیخت؛ اما به دلیل آن که آن پیشرفت بر پایه‌های فاسدی از عقاید و اخلاق بنا شده بود، دیری نپایید و با فروپاشی ناگهانی خود موجبات حسرت و ناامیدی صاحبان آن را فراهم ساخت: ﴿فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ وَحَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُم بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ * فَقَطَّعَ دَابِرَ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ (انعام/ ۴۴-۴۵؛ حدید/ ۲۰).^۱

۲- اخلاق الاهی مبنای توسعه کوثری

مبانی اخلاقی و ارزشی الگوی پیشرفت کوثری، تمایزات آشکاری نسبت به مبانی اخلاقی الگوی تکاثری دارد. استاد جوادی آملی در آثار مختلف خود، به ویژه در کتاب

طبیعت هلاک نمی‌کند و [لی] به این [مطلب] هیچ دانشی ندارند [و] جز [طریق] گمان نمی‌سپزند.

۱. پس چون آنچه را که بدان پند داده بودند، فراموش کردند، درهای هر چیزی [از نعمت‌ها] را بر آنان گشودیم

تا هنگامی که به آنچه داده شده بودند، شاد گردیدند. ناگهان [گریبان] آنان را گرفتیم و یک‌باره نومید شدند.

پس ریشه آن گروهی که ستم کردند، برکنده شد و ستایش برای خداوند پروردگار جهانیان است.

«مبادی اخلاق در قرآن»، ضمن رد مبانی اخلاقی توسعه نکاثری به تبیین اخلاق الاهی پرداخته‌اند. ایشان چکیده و خلاصه‌ای از دیدگاه خود را در پیامی به کنفرانس «اخلاقنا بین النظرية والسلوك، اسباب و معالجات» در بحرین بیان نمودند که در این جا با استفاده از آن به تبیین اخلاق الاهی و ارتباط آن با پیشرفت اقتصادی کوثری می‌پردازیم.

معیارهای اخلاقی حاکم بر رفتارهای اقتصادی و غیراقتصادی در اندیشه اسلامی (همانند هر مکتب دیگر)، برخاسته از اصول اعتقادی و انسان‌شناسی آن است. در الگوی کوثری، خداوند سبحان علاوه بر این که خالق همه موجودات است، پروردگار جهان‌ها و انسان و غیرانسان نیز هست. ربوبیت او نیز به عطا کردن حق هر حق‌داری به خودش و به هدایت آن به مقصدش و به نشان دادن راهی است که او را به مقصودش می‌رساند. خدا انسان را گاه با الهام عقلی و گاه با انزال نقلی، هدایت می‌کند. موجودات عالم دارای دو بخش مادی و مجرد هستند و انسان تشکیل یافته از بدنی مادی و روحی مجرد است که با مرگ از بین نرفته، بلکه باقی می‌ماند، انسان هدف والایی دارد که از عبث، مبرا است. برای او و جهان، مبدأ مجرد علیم و قدیر و حکیمی است که هیچ چیزی مانند او نیست. راه معرفت، منشعب به حس و تجربه و عقل و تجرید است.

بر خلاف آنچه در کتاب‌ها و بر زبان‌ها رایج است، هویت انسان حیوان ناطق نیست؛ بلکه هویتش چیزی جز «حی متأله» نیست. هر علم به هدف خورده و هر خلق صعود کرده و هر عمل صالحی که تأله و غوطه‌ور شدن انسان را در معرفت خدا و آسمای حسنا و صفات والای او موجب شود، در پی دارنده حیات اوست؛ تا آن جا که او جلوه «الهی الذی لا یموت» شود. هر باور و صفت و عمل طالهی که به الحاد او بینجامد و او را در ایمان، به چیزی غوطه‌ور کند که خداوند بر آن حجت عقلی یا نقلی فرو نرستاده، مرگ او را در پی خواهد داشت؛ تا آن جا که مرده زنده‌ها خواهد شد؛ چراکه حیات روح به معرفت درست و ایمان خالص دائم است، و مرگ آن در پی جهل علمی و جهالت عملی است.

حی متأله با خود، تنها و موحد است؛ اما با اهل خانواده خود، متحد و موحد؛ و با اعضای جامعه خود، مجتمع و موحد است. بنابراین توحید در خود و خانواده و زیست گاه و تمدن و تدین او جلوه گر می شود. چون تمدن او چیزی جز تدینش به دین الاهی نیست. بنابراین اخلاق او جز تأسی به خلق عظیم نبوی ﷺ نخواهد بود، و سنت پذیری او جز پیروی از سنت پیامبر ﷺ نخواهد بود، و رفتار و منش او نیز جز با الگوگیری از سیره پیامبر ﷺ نخواهد بود.

بنابراین حی متأله، یعنی انسانی که نزد خدا و رسول و فرشتگان و اولیای مقربش، انسان است؛ حُلُق زیبای او غوطه ور شدن در تأله خود می باشد؛ دعوت خدا و رسولش را برای آنچه او را حیات می بخشد، اجابت می کند؛ یعنی این که فرمان خدا و رسولش را اطاعت می کند و احکام او را به جا می آورد و از نواهی او خودداری می کند؛ بنابراین نه می نشیند و نه برمی خیزد، مگر بر اساس آنچه خداوند سبحان به او نشان داده است، یا خود با عقل برهانی و نقل موثّق یافته است تا در حیات طیبه ای با برکات خاص خود زندگی کند، و از هر مرضی که خداوند آن را در کتابش بیان نموده، نجات یابد. بنابراین عدل و آزادی و استقلال، و دیگر نمونه های کمال فردی و جمعی انسان، محدود و معین به آن چیزی است که شرع و وحی مشخص کرده و دلیل عقلی یا نقلی آن را یافته است. و این که تنها پایه و اساس حقوق بشر و تنها منبع استخراج مبانی آن، همان چیزی است که خالق تدوین کرده است؛ خالق که سرنوشت و بازگشت همه بشر به سوی اوست، چنان که آغاز و نشر بشر نیز از سوی اوست (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۷).

براین اساس، قاعده «حداکثر کردن مطلوبیت و سود» که در الگوی توسعه غربی، با استناد به مطبوع بودن و یا ناخوشایند بودن یک عمل به لحاظ امیال طبیعی و قوای شهوانی انسان، به عنوان راهنمای رفتارهای اقتصادی انسان مطرح گردیده بود، معتبر نخواهد بود. آیت الله جوادی آملی بنا بر چهارچوب اخلاق الاهی که مبنای پیشرفت کوشی است، قاعده «تلاش در تولید و قناعت در مصرف» را راهنمای رفتار اقتصادی انسان معرفی می نماید (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۵۷۹ و

۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۴۴). ایشان در این زمینه می فرماید:

«تلاش در تولید و قناعت در مصرف، از بهترین برکات است. چنین سرمایه‌داری، محبوب جامعه است. کسی که فکر اقتصادی خود را به کار بگیرد تا مشکل گرانی و تورم را حل کند و خود هم مثل افراد دیگر جامعه زندگی کند، جمع بین تلاش در تولید و قناعت در مصرف از بهترین فضایل اقتصادی است... تلاش در تولید و قناعت در مصرف، انسان را پیش خدا، فرشته‌ها، اهل بیت علیهم‌السلام و جامعه، محبوب می کند؛ و از آن طرف هم تظاهر به ثروت، انسان را مشمول خطاب «أفسق الفاسقین» فرشته‌ها می کند... انسان گاهی با تظاهر به برج‌سازی و امثال آن فرحناک است؛ [غافل از آن] که **﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَحِبُّ الْفَرِحِينَ﴾** (قصص / ۷۶). سوره مبارک حدید بین افسوس و فرح جمع کرده است؛ **﴿لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا آتَاكُمْ وَاللَّهُ لَا يَحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾**. یک وقت فرح طبیعی نصیب انسان می شود که مذموم نیست. بالاخره یک تفاوت حالی در انسان پیدا می شود. مگر او حدی از انسان‌ها که چنین چیزی نداشته باشند. اما [گاهی] یک تظاهر به ثروت و نشاط است. لایحب الفرحین نشان می دهد که اگر کسی در اثر زران‌دوزی، فرح کاذب داشته باشد، مختال است؛ یعنی خیال‌زده و خیال باف بوده و در حد خیال زندگی می کند. در برابر عاقل که با عقل زندگی می کند، خیال باید به وسیله عقل عقال شود» (جوادی آملی، ۱۳۹۱، درس تفسیر).

در این جا ممکن است اشکال شود که به هر حال، توسعه اقتصادی مستلزم انباشت سرمایه است و روشن است که با زهد و قناعت و نکوهش مال دوستی، پیشرفت اقتصادی میسر نخواهد شد. در پاسخ به این اشکال باید به دو نکته توجه شود: اولاً باید به مفهوم صحیح زهد و قناعت توجه شود که مثلاً زهد صحیح اسلامی به هیچ وجه به معنای ترک کار و تلاش نیست، بلکه اقتضای آن سخت‌کوشی و مأیوس نشدن از ناملایمات زندگی و مغرور نشدن به خوشی‌های آن است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۵، ص ۱۸۱-۱۸۲)؛ و ثانیاً در

ارزیابی سازگاری و ناسازگاری باید به ماهیت پیشرفت اقتصادی در الگوی کوثری توجه داشت که تفاوت‌های آشکاری با پیشرفت تکاثری دارد. این گونه مفاهیم، اگرچه با پیشرفت تکاثری ناسازگار هستند، با اهداف پیشرفت کوثری، کاملاً سازگارند؛ بلکه یگانه طریق وصول به آن، به حساب می‌آیند.

توضیح مطلب این‌که قاعده «تلاش در تولید و قناعت در مصرف» برگرفته از احادیث معصومان علیهم‌السلام است که یکی از صفات مؤمنان را «قلیل المؤمنة و کثیر المعونة» بودن معرفی نموده‌اند (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۷، ص ۳۱۰؛ و.ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳). بر اساس این قاعده، مؤمن باید مازاد درآمد داشته باشد و تلاش برای رسیدن به مازاد درآمد، رشد اقتصادی جامعه اسلامی را تضمین می‌کند. این قاعده همچنین به نحوه تخصیص مازاد درآمد اشاره می‌کند و این که هر فرد باید بخشی از مازاد درآمد خود را در راه انجام کارهای عام المنفعه مانند کمک به فقیران و یتیمان، مصرف کند. با این کار، توزیع عادلانه درآمد و ثروت تضمین خواهد شد. قاعده لذت‌گرایی اساس فعالیت‌های اقتصادی نخواهد بود؛ زیرا با قناعت و «خفیف المؤمنة» بودن سازگار نیست. بنابراین بر اساس این قاعده، معنویت فدای مادیت نخواهد شد و انگیزه‌های معنوی نیز ارضا خواهد شد. مطابق این قاعده، تولید اقتصادی مؤمن باید به گونه‌ای باشد که بیش‌ترین خیر اجتماعی را داشته باشد. از این رو، او از تولیدی که موجب اسراف و اتلاف منابع شود، اجتناب خواهد کرد. بر اساس این قاعده، مؤمن در هر شرایطی (انحصار، رقابت و...) به گونه‌ای عمل می‌کند که بیش‌ترین مقدار نیازهای اقتصادی دیگران برطرف شود. لازمه این کار، عدم کاهش تولید یا افزایش قیمت به منظور افزودن بر سود شخصی است.

در چهارچوب اخلاق الاهی، دانش اقتصاد نیز متفاوت با علم اقتصاد سکولار خواهد بود. در الگوی کوثری دانش، عطیه‌ای الاهی است که دائماً در پرتو نورافشانی وحی و ایمان دینی قرار دارد و با کاوش‌های خود، انسان را در راه رسیدن به اهدافی که دین معین کرده، یاری می‌رساند.

قرآن کریم، علم را در رتبه پس از ایمان موجب ارتقای مرتبه انسان می‌داند: ﴿يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله/ ۱۱). امام علی علیه السلام فرمود: در پرتو ایمان، علم شکوفا می‌شود.^۱ به همین جهت بر اساس روایات، اوج شکوفایی علم بشر در عصر ظهور خواهد بود که توحید و پرستش خداوند، همه پهنای کره خاکی را فرا گرفته باشد. در روایتی از امام صادق علیه السلام آمده است: «دانش بیست و هفت (شعبه و شاخه) است و مجموع آنچه پیامبران آورده‌اند، دو حرف است؛ و مردم تا آن روز بیش از دو حرف را نمی‌دانند و چون قائم قیام کند، بیست و پنج حرف بقیه را برون آورده و در میان مردم مستر می‌سازد؛ و بدین سان، مجموع بیست و هفت جزء دانش را نشر می‌دهد» (مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۳۳۶).

در این الگو، دانش دینی هرگونه شناختی است که برای تأمین نیازهای زندگی از سرچشمه نقل و عقل به صورت سازگار، به دست آمده باشد. بنابراین، نه تنها هیچ گونه تعارضی میان علم و دین وجود نخواهد داشت، بلکه میان آن‌ها هم‌افزایی نیز برقرار خواهد بود. آیت الله جوادی آملی درباره لزوم استفاده از منابع نقلی و عقلی در دانش دینی می‌نویسد: «اگر نقل معتبر ما آنزله الله است، عقل برهانی نیز ما ألهمه الله است؛ و این هر دو، منبع معرفت دینی و هر کدام بال وصول بشر به شناخت حقایق دینی‌اند» (جوادی آملی، ۱۳۸۰، ص ۱۳). به اعتقاد ایشان «مراد از عقل، خصوص عقل تجریدی محض که در فلسفه و کلام، براهین نظری خود را نشان می‌دهد، نیست؛ بلکه گستره آن، «عقل تجربی» را که در علوم تجربی و انسانی ظهور می‌یابد، «عقل نیمه تجریدی» را که عهده‌دار ریاضیات است و «عقل ناب» را که از عهده عرفان نظری برمی‌آید نیز در بر می‌گیرد» (همان، ص ۲۵).

به عقیده ایشان، این دیدگاه در نقطه مقابل دیدگاه و تفکر قارونی است که ثروت و توفیق خویش را مرهون زحمت و دانش و تعقل خود می‌دانست. ایشان درباره علوم تجربی موجود

۱. «و بالایمان یعمّر العلم» (ری شهری، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص ۱۹۱، ح ۱۲۵۱).

نیز می‌فرماید: «علوم تجربی، موجود معیوب است؛ زیرا در سیر افقی به راه خود ادامه می‌دهد؛ نه برای عالم و طبیعت، مبدئی می‌بیند و نه غایت و فرجامی برای آن در نظر می‌گیرد و نه دانشی که خود دارد، عطای خدا و موهبت الاهی می‌یابد. این نگاهی که واقعیت هستی را مُثله می‌کند و طبیعت را به عنوان خلقت نمی‌بیند و برای آن خالق و هدفی در نظر نمی‌گیرد، بلکه صرفاً به مطالعه لاشه طبیعت می‌پردازد و علم را زاییده فکر خود می‌پندارد، نه بخشش خدا؛ در حقیقت علمی، مُردار تحویل می‌دهد؛ زیرا بر موضوع مطالعه خویش به چشم يك مردار لاشه می‌نگرد، چون بال مبدأ فاعلی و مبدأ غایی از آن کنده شده است» (همان، ص ۱۳۵-۱۳۶).

۳- امکان و ضرورت توسعه کوثری برای جوامع اسلامی معاصر

یک واقعیت مسلم در باب توسعه اقتصادی، این است که توسعه اقتصادی در سده‌های اخیر به خصوص قرن نوزدهم و بیستم اتفاق افتاده و موجب افزایش ثروت و تحولات عظیم در علم و تکنولوژی و ارتقای استانداردهای رفاهی گردیده است. ظهور این پدیده از درون نظام‌های سرمایه‌داری غرب و همزمانی آن با برخی پیامدهای منفی در عرصه معنویت و فرهنگ و اختلال‌های زیست‌محیطی و مانند آن، این سؤال جدی را به وجود آورده که آیا چنین پدیده‌ای به طور کلی، مطلوب است؟ و آیا توسعه اقتصادی با اخلاق و ارزش‌های اسلامی سازگاری دارد؟ اندیشمندان مسلمان در مواجهه با این سؤال به گونه‌های مختلفی عمل نموده‌اند. عده‌ای راه سکولاریسم را پیش گرفتند؛ عده‌ای از لزوم اصلاحات دینی و سازگار کردن آن با مناسبات عصری سخن به میان آوردند؛ و عده‌ای هم به زهدگرایی ارتجاعی مبتلا گردیدند. آیت‌الله جوادی آملی به عنوان یکی از بزرگ‌ترین اسلام‌شناسان عصر حاضر، ضمن رد چنین دیدگاه‌هایی، به تبیین اصولی این مسأله از موضع صحیح اسلامی پرداخته‌اند. ایشان در این باره می‌فرماید:

آنهایی که سکولاریسمی کردند یا می‌کنند، دین را در همان فضای ارزشی فرض می‌کنند، نه در مسائل دانشی؛ در حالی که اسلام هم در متن جامعه در مسائل علمی و

هم در مسائل اقتصادی و اخلاقی و ارزشی، دارای دیدگاه مخصوص به خود است. توسعه دارای دورویکرد متفاوت است: توسعه تکاثری که مذموم است و توسعه کوثری که ممدوح است. اینها هر کدام دارای «فصل» متمایزکننده هستند. هر یک اولاً مبادی و ثانیاً مواد حقوقی و شاخصه‌های مخصوص به خود را دارند (جوادی آملی، ۱۳۸۹). از دیدگاه ایشان، اقتصاد در اسلام با توسعه همه‌جانبه هماهنگ است و اسلام توسعه را کاملاً ترغیب و تشویق کرده است.

ایشان با استناد به آیه شریفه ﴿هُؤُنَشَأَكُم مِّنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ (هود/۶۱) معتقدند چنین نیست که توسعه حرام نباشد و یا صرفاً جایز باشد، بلکه توسعه کوثری، امری واجب است؛ و براساس مبانی و معارف اسلامی بر فرد و جامعه اسلامی لازم است که الگوی توسعه کوثری را عینیت بخشند. زیرا خداوند به بشر تمامی مواد لازم برای عمران و آبادی از جمله منابع طبیعی و استعداد و قدرت داده است و جداً از ما خواسته که زمین را آباد کنیم که آقای خودمان باشیم و نیازمند دیگران نباشیم.

ایشان در عین آن که اکیداً بر جایگاه مستحکم و اهمیت زیاد زهد در رفتارهای فردی و تأکید بر قناعت در رفتار مصرفی توجه می‌دهند، معتقدند زهد اخلاقی نباید به معنای رکود اقتصادی جامعه اسلامی تفسیر شود؛ زیرا در سطح کلان نمی‌توان جامعه را با زهد اداره کرد. انسان همان طور که در اثر استغنا طغیان می‌کند، در اثر فقر هم طغیان خواهد کرد. اگر فقر از یک دری آمد، ایمان از در دیگر خارج می‌شود. غنا و فقر، در هر عصری فرق می‌کند. ما الگویمان در هر عصر و مصری، ملاک برای عقلا است. شاهد این هم بیان نورانی امام صادق علیه السلام است که سفیان ثوری اعتراض کرد که علی ابن ابیطالب علیه السلام آن پیراهن را داشت و شما این لباس را می‌پوشی! حضرت فرمود: آن حضرت در یک عصر دیگر بود که فقر بود؛ الان که مسلمان‌ها وضعیتشان خوب شده باید لباس خوب بپوشم و گرنه مورد اعتراض قرار می‌گیرم (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۲-۱۷).

ایشان معتقد است همان گونه که در علم اصول بر اساس حدیث شریف «لاتنقض الیقین بالشک» حجمی از مطالب علمی تولید شده است که امروزه بیش از ۵۰، ۶۰ جلد کتاب عمیق و عالی را تشکیل می دهند، در صورت کار علمی مشابه بر روی گزاره های ارزشی و دانشی اقتصادی می توان دانش مناسب اقتصاد اسلامی و الگوی پیشرفت کوثری را استخراج نمود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۷). استاد جوادی آملی در آثار متعدد خود برخی شاخصه های اصلی توسعه کوثری را بیان نموده اند که در ادامه مقاله به بررسی این شاخصه ها در سه محور اصلی موضوعات دانش اقتصاد؛ یعنی تولید، توزیع و مصرف، خواهیم پرداخت.

۴- شاخصه های اخلاقی تولید در الگوی پیشرفت کوثری

از آن جا که هر گونه پیشرفتی، مستلزم کار و تلاش است، الگوی پیشرفت تکاثری نیز به کار و تولید اهمیت می دهد، اما آنچه الگوی کار و تولید را در این الگو متمایز می سازد، این است که اولاً بر اساس مبانی بینشی و اخلاقی الگوی تکاثری، غایت زندگی، لذت و رفاه دنیوی است. بنابراین، کار از آن جهت که موجب رنج و زحمت است، نامطلوب تلقی می شود و ضرورت آن صرفاً از آن جهت است که کسب لذت و فراهم نمودن وسایل راحتی، بدون کار ممکن نیست؛ و ثانیاً به دلیل انکار مبدأ و معاد و یا بی تأثیر بودن باور به آن ها در تنظیم امور زندگی، مجالی برای عبادت بودن کار و تولید وجود نخواهد داشت (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۱۵). بر این اساس، قاعده اساسی در انتخاب مقدار، نوع و کیفیت کار و کالای تولیدی، تحمل کمترین زحمت و انتظار بیشترین نتیجه برای کسب لذت خواهد بود. با پیروی از این قاعده به دلیل وجود عناصری چون حرص و عجز بودن در طلب مال و ثروت و علاقه شدید به آن،^۱ ممکن است پیشرفتی که حاصل می شود، به لحاظ مقداری،

﴿وَإِنَّهُ لَحُبُّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ﴾ (عادیات / ۸)؛ ﴿إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَجْحُونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذَرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا﴾

(انسان / ۲۹) ﴿إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ﴾ (معاارج / ۱۹).

زیاد و از نظر زمانی پرشتاب باشد؛ اما به دلیل آن که در درون الگو، عنصری برای هدایت و کنترل کار و تولید به سمت رعایت مصالح اجتماع و دیگران و رعایت محیط زیست و مانند آن وجود ندارد، هیچ تضمین خودکاری برای پایداری پیشرفت و حفظ جامعه از آسیب‌های احتمالی رشد تولید، وجود نخواهد داشت.^۱

آیت الله جوادی آملی بر اساس قاعده اخلاقی رفتارهای اقتصادی در الگوی کوثری، «کوشش در تولید و قناعت در مصرف»، رفتار تولیدی در الگوی کوثری را موجب دستیابی به رشد پایدار اقتصادی دانسته و برخی از شاخصه‌های مهم آن را بیان نموده‌اند. ایشان می‌فرمایند: شاخصه اول این است که بفهمیم سرمایه کدام است و سود کدام؟ باید سرمایه را کاملاً حفظ کرد. راه ایجاد درآمد را کاملاً دانست. بعد از استحصال درآمد، درآمد را هم در داخل و هم در خارج عرضه کرد تا نیاز کشور تأمین شود. کسی که نفهمد سرمایه چیست، و سود چیست، اصلاً راه برای تولید ندارد. او باید بداند آنچه در زمین است، پایدار است. زمین فروشی، سرمایه خوردن است. این همه روایات داریم که اگر کسی زمینی بفروشد، هیچ برکتی در آن نیست، ناظر به این است که سرمایه را نمی‌توان فروخت. بنابراین توسعه کوثری از این جا شروع می‌شود.

شاخصه دیگری که تکاثر مذموم را از کوثر ممدوح و محمود جدا می‌کند، این است که می‌فرماید: همه مردم باید کار کنند تا زندگی‌شان تأمین شود. با این که نقل شده پیامبر دست آن کارگر را بوسید؛ اما مزدوری، مغضوب است. خیال می‌کنیم چون کار خوب است، کارگری برای دیگران هم خوب است. کسی که خودش را مزدور کرده، روزیش را

۱. ﴿وَإِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَاللَّهُ لَا يَجِبُ الْفَسَادَ﴾ (بقره/ ۲۰۵): و

چون برگردد [یا ریاستی یابد] کوشش می‌کند که در زمین فساد نماید و کشت و نسل را نابود سازد و خداوند تباہکاری را دوست ندارد.

کم کرده است. توسعه کوثری با کرامت همراه است. آبرو در آن مطرح است. ما باید جامعه را اکرام کنیم، نه اطعام. کشور را با کمیته امداد اداره کردن هنر نیست. با فقر و انعام نیز مردم را اداره کردن خواست الهی نیست... باید دقت بفرمایید که منع اجیر شدن از باب کراهت است. فتوا به کراهت داده‌اند. صاحب وسایل هم همین کار را کرده است. اسلام عقود مضاربه را طراحی کرده، تعاونی را دارد، شرکت را هم. اگر کسی اهل شرکت تعاونی و مضاربه نبود که خیلی هم کم اتفاق می‌افتد، اجیر شود. شاخصه دیگر در توسعه کوثری آن است که ما خلیفه الله هستیم و ذات اقدس الهی از ما کار خواسته است. یک آیه در قرآن کریم است که هر کسی باید عبادت کند ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ (ذاریات/ ۵۶). آیه کریمه حاوی دو قضیه است. جمع هر دو قضیه مفید حصر است. انسان فقط باید عبادت کند. آن هم ما به یقین می‌دانیم که منظور این نیست که دائم نماز بخواند. چون در آیه سوره جمعه فرمود: نماز جمعه‌تان که تمام شد دنبال کسب‌تان بروید؛ حتی روز جمعه. معلوم می‌شود که منظور از عبادت این نیست که دائم در مسجد باشید، حتی در نماز جمعه و روز جمعه. جمعه تمام شد دنبال کارتان بروید. بنابراین ما موظفیم شبانه روز عبادت کنیم. روایات فراوانی است که بیکاری و تنبلی را نهی کرده است. کراهت بیکاری، کراهت تنبل بودن، کراهت فارغ بودن، کراهت اجیر شدن و... جزو معارف و مبانی دین ماست. هم باید کار کنیم و هم حیثیت کسی را زیر سؤال نبریم. زیرا اگر توسعه، پایدار و همه‌جانبه شد، مزدور هم مثل ما کار می‌کند؛ چرا مزدور ما شود؟! (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

ایشان در کتاب ارزشمند *مفاتیح الحیاة* ص ۵۸۱، درباره هدف تولید در اسلام می‌فرماید: «تولید از دیدگاه اسلام دارای اهدافی است: ۱ - حفظ عزت و بی‌نیازی از فرومایگان؛ ۲ - گسترش رفاه معقول و عزتمندان برای خانواده؛ ۳ - تکریم خویشاوندان و همسایگان؛ ۴ - انفاق در راه خدا و رفع نیازهای فردی و اجتماعی... هدف اسلام از سفارش به کار و تولید، انباشتن ثروت نیست. بلکه ایجاد فرصت برای بهره‌برداری از مواهب

الاهی در رشد و تعالی خود و تأمین نیاز دیگر هم‌نوعان و نیز قراردادان دارایی و ثروت (نعمت) در مسیری است که برای آن آفریده شده است.»

در الگوی تولید کوثری، اشتغال و کسب از عوامل مادی تولید است و هرگونه دستاورد بشری در گرو کار و تلاش انسان است ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (نجم/۳۹). باین حال در کنار کار، برخی عوامل معنوی بهره‌ورساز اموال نیز مانند صدقه، امانت داری، ازدواج، سخن نیکو، طهارت... وجود دارند که بر بهره‌وری تولید می‌افزایند. در اسلام، کسب حلال واجب شده است و از حرام باید پرهیز کرد. از دیدگاه قرآن، کار اقتصادی همانند بقیه کارهایی که برای گذران امور عادی زندگی صورت می‌گیرد، مادام که در چهارچوب شرع صورت پذیرد، در ردیف عبادت‌های خداوند و بلکه در میان برترین آن‌ها قرار دارد و ثوابی چون شمشیر زدن در راه خدا دارد (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۵۷۹ - ۶۱۹).

وقتی کار به عنوان عبادت انجام شود، جهت‌گیری الاهی خواهد داشت و در این صورت، اولاً به لحاظ اعتدال در تقسیم وقت میان کار، استراحت و امور معنوی و رعایت حدود شرعی در کار اقتصادی (مانند اجتناب از درآمدهای حرام و اعمال خلاف اخلاق) و رعایت مصالح اجتماعی سالم خواهد بود؛ و ثانیاً نه تنها نامطلوب نخواهد بود، بلکه خود، همانند نماز و سایر عبادات خاص خداوند، فی حد نفسه، مطلوبیت خواهد داشت. مقتضای عبادت بودن کار و تولید، انجام هر کاری است که رضایت خداوند را در پی داشته باشد؛ اگرچه عائدی آن برای خود شخص کمتر و زحمت آن بیش تر باشد. البته کاری که موجب رضایت خداست، حتماً مصالح خود فرد را هم تأمین خواهد نمود. در الگوی کوثری، میزان ساعات کار و نوع آن و مقدار و نوع کالای تولیدی بر اساس همین قاعده، تعیین خواهد شد.

نمونه عینی موفقیت رفتار تولیدی در الگوی توسعه کوثری که هرگونه شک و تردیدی را از میان برمی‌دارد، رفتار تولیدی امیرالمؤمنین علیه السلام است. آن حضرت یکی از ثروتمندترین افراد

مدینه در زمان خود بودند که همه آن ثروت را با تلاش تولیدی خود به دست آورده بودند. بدون شک تکثیر چنین الگویی در جامعه اسلامی، موجبات رشد و شکوفایی اقتصاد آن را فراهم خواهد نمود (ر.ک: حسینی، ۱۳۸۷، ص ۲۰-۶۵).

۵- شاخصه‌های اخلاقی توزیع درآمد و ثروت در الگوی پیشرفت کوثری

توزیع عادلانه درآمد و ثروت یکی از موضوعات مهم اقتصادی و در عین حال یکی از مشکلات جدی الگوی توسعه سرمایه‌داری معاصر است. در نظام سرمایه‌داری همان‌طور که از اسم آن پیداست، اصل بر حفظ، تراکم و تکاثر سرمایه است. در این نظام، معیارها و سنجش رشد و ارزش، همه بر مبنای سرمایه تعریف شده است (درخشان، ۱۳۹۰). به همین دلیل، در نظام‌های سرمایه‌داری کنونی اکثر قریب به کل ثروت جامعه، در دست طبقه معدود ثروتمند است. در نظام‌های سوسیالیستی هم همه ثروت جامعه، در دست دولت بود. این الگوها هر دو جزو تکاثر و از نظر قرآن و حدیث، مذموم هستند. یکی از رفتارهایی که در بیانات قرآن کریم و روایات معصومین علیهم‌السلام با تأکیدهای فراوان نکوهش شده و پیامدهای زیانبار آن همواره گوشزد شده است، انبوه‌سازی و انباشت ثروت و خودداری از توزیع آن است. قرآن کسانی را که به جمع و ذخیره‌سازی ثروت می‌پردازند و آن را در راه خدا انفاق نمی‌کنند، عذابی دردناک وعده داده است: **﴿وَالَّذِينَ يَكُمِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا ينفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ﴾**^۱ (توبه/ ۳۴). برخی آیات قرآن ریشه چنین رفتاری را جایگزینی مال و ثروت به جای خدا، به تصور باطل این که ثروت می‌تواند نجات‌بخش انسان باشد، می‌داند: **﴿وَيْلٌ لِّكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٍ، الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ، يُحْسَبُ أَنَّ مَالَهُ أَخْلَدَهُ﴾**^۲ (همزه/ ۱-۳؛ و.ر.ک: توبه/ ۲۴؛ کهف/ ۴۶؛ و منافقون/ ۹). در حالی که قرآن تأکید می‌کند

۱. و کسانی که زر و سیم را گنجینه می‌کنند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، ایشان را از عذابی دردناک خبر ده!

۲. وای بر هر بندگان عیبجویی که مالی گرد آورد و بر شمردهش! ندارد که مالش او را جاوید کرده.

که آنچه نزد شما است، از بین رفتنی و آنچه نزد خداست، باقی است: ﴿ذَمَّا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ مَاعِنِدَ كُمْ يَنْفَعُكُمْ وَمَاعِنِدَ اللَّهِ بَاقٍ﴾^۱ (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹). یکی از سرچشمه‌های مهم بروز عدم تعادل در توزیع ثروت و درآمد، عدم رعایت عدالت در توزیع اموال عمومی و امکانات اولیه است. در الگوی تکاثری - که نمونه‌ای از آن در زمان جاهلیت وجود داشت و متأسفانه در مقاطعی از تاریخ صدر اسلام نیز تا حدودی به وقوع پیوست - این گونه امکانات میان ثروتمندان دست به دست می‌گردید و خدای متعال در سوره مبارک حشر از آن منع فرموده است: ﴿كَي لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر/۷). این الگو در توزیع محصول میان عوامل تولید، خصوصاً پرداخت حقوق کارگران، و توزیع منافع مبادله میان طرفین آن، به شدت بر قدرت چانه‌زنی برتر مبتنی است؛ و به عدم تعدیل درآمد و ثروت، منجر می‌شود. جلوگیری از این رفتار ناپسند یکی از رسالت‌های مهم پیامبران بزرگ بوده است که ماجرای آن در سوره مبارک هود بازگو شده است: ﴿وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ * بَقِيَةُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (هود/ ۸۵ - ۸۶).^۲

الگوی توسعه سرمایه‌داری در زمینه توزیع مجدد ثروت و درآمد هم در ابتدای امر، اعتقادی به رسیدگی به نیازمندان و رفع نیاز آنان با استفاده از مالیات ثروتمندان نداشت و تنها پس از آن که افزایش شکاف طبقاتی زنگ خطر سقوط این نظام را به صدا درآورد، ناچار برنامه‌های حمایت از اقشار آسیب‌پذیر را در دستور کار قرار داد (ر.ک: نمازی، ۱۳۸۹، ص ۱۱۵ - ۱۲۵).

۱. آنچه نزد خداست، اگر بدانید همان برای شما بهتر است؛ آنچه پیش شماست، تمام می‌شود و آنچه پیش خداست، پایدار است.

۲. و ای قوم من پیمان‌ه‌ و ترازور را به داد تمام دهید و حقوق مردم را کم مدهید و در زمین به فساد سر برملارید؛ اگر مؤمن باشید باقیمانده [حلال] خدا برای شما بهتر است.

الگوی توسعه کوثری، توزیع عادلانه درآمد و ثروت و برقراری عدالت اجتماعی در مراحل و ابعاد مختلف را در صدر اهداف اجتماعی خود قرار می دهد تا از انباشت مال و مصرف بی رویه آن ها جلوگیری شود و همگان از مواهب الاهی بهره مند گردند و زمینه رشد و تعالی آن ها فراهم شود. در این الگو، عدالت توزیعی علاوه بر این که از اهداف اجتماعی است، از مهم ترین سازوکارهای رسیدن به اهداف نیز می باشد. آیت الله جوادی آملی در این باره می نویسد:

شاخص دوم (توسعه کوثری) آن است که توسعه باید همه جانبه باشد؛ نه پایدار در طول، بلکه پایدار در عرض. برای همه مردم در طول نسل ها، نه فقط برای یک نسل. همه جانبه بودن را قرآن کریم در سوره مبارک حشر بیان کرده است. فرمودند آنچه که ما به شما عطا کردیم، این سرمایه می شود. فرمود، ما آن جا که می گوئیم سهم فقرا را بدهید، در سهم آن ها دخالت نکنید، بحث نکنید که نمونه های آن در وجوه شرعی است، در خمس است، در زکات است. برای این است که مبدا این سرمایه و ثروت، میان یک عده خاص دست به دست شود: ﴿كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ﴾ (حشر / ۷). ثروت مثل خون است؛ اگر خون فقط در یک بخش از اعضای بدن جریان داشته باشد، بقیه فلج می شوند... در نظام سرمایه داری، کل ثروت در دست اغنیا است، بقیه عملاً هیچ. سوسیال بلشویک ورشکسته شرق هم همین طور است. منتهی دومی سرمایه دست دولت بود... هر دو جزو تکاثر مذمومند. هر دو را آیه سوره مبارک حشر ابطال کرده است... اما توسعه کوثری را امضا کرده است. ذات اقدس الاهی گفته این ثروت مبدا فقط در دست یک گروه خاص قرار گیرد. باید در بین مردم دور بزند و به دست همه مردم برسد. در توسعه پایدار همه جانبه اگر تسهیلات بانکی است، باید برای همه باشد. اگر وام است، برای همه باشد. اگر کارشناسی و کاردانی است، باید برای همه باشد؛ و این بشود توسعه پایدار همه جانبه ممدوح و محمود شرعی. اسلام با این هرگز مخالف نیست.

ما همان طور که در توسعه پایدار باید به فکر نسل آینده باشیم، باید توسعه مان کوثری باشد تا به فکر نسل آینده باشیم؛ ما می خواهیم نسل آینده شکمشان تأمین باشد و دینشان هم محفوظ باشد. بیان نورانی از وجود مبارک امام صادق علیه السلام است که اگر خدای ناکرده، کسی از راه حرام بخواهد چیزی تهیه کند، ولو در نوه نشد، در نتیجه؛ در نتیجه نشد، در نیبره او؛ بالاخره اثر می کند. مال حرام اثر می کند... بنابراین مشخصه های توسعه کوثری از مشخصات توسعه تکاثری کاملاً مشخص است که آدم از هر جهت باید مواظب باشد.

در حق فقرا دو مطلب است: یکی، حق همگانی و همه ساله است که زکات و خمس است. یکی که فقیر است و همسایه ماست و ما می دانیم او فقیر است، من که همسایه او هستم، تنها من مطلع هستم؛ بر من واجب عینی است. اگر دو همسایه باخبرند، بر هر دو واجب کفایی است. اگر تأمین نیاز فقرا یا واجب عینی بود یا واجب کفایی، دیگران ثروتها جمع نمی شد. یک وقت است تفاوت است؛ مثل حوزه علمیه که جلوی کسی را نگرفته اند که نباید مجتهد بشوی یا دانشگاه جلوی کسی را نگرفته اند که نباید استاد بشوی. راه برای همه باز است... بر اساس توسعه کوثری اسلامی، راه برای همه باز است. اما دعای آدم بیکار نیز مستجاب نمی شود. هر کس کارکرد، نتیجه اش به او داده می شود. هر کس خواست زندگی کند، زندگی کند؛ جلوی کسی را نگرفته اند. در این صورت، اگر هر فردی کمبودی هم داشته باشد، می گوید مشکلی ندارم و راضی ام. مردم به این حالت معمولاً می گویند فرصت برابر. امیرالمؤمنین علیه السلام بدون شک یکی از ثروتمندترین افراد بودند در مدینه. شکی در این نیست. درآمد زیادی داشت و همه را هم توزیع می کرد و مقداری هم برای خانواده باقی می گذاردند (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

توزیع درآمد در الگوی کوثری، هم مبنای حقوقی دارد و هم مبنای اخلاقی و ایمانی. آیت الله جوادی آملی مجموعه تدابیر اسلامی برای تعدیل توزیع درآمد را در سه محور ذیل

بیان کرده است:

۱ - حقوق عام افراد؛ یعنی تمامی افراد یک جامعه در استفاده کردن از امکانات و منابع و ثروت های عمومی، یکسان و همگان بر اساس اصل اباحه می توانند در جهت افزایش عمران و آبادانی از این ثروت ها بهره بگیرند.

۲ - حقوقی که از کار و تلاش افراد برمی خیزد و هر کسی که بیش تر کار کرد، سهم بیش تری از ارزش افزوده می برد و دو آیه ﴿وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْياءَهُمْ﴾ (اعراف/ ۸۵) و ﴿وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى﴾ (النجم/ ۳۹) می توانند به این مطلب اشاره داشته باشند.

۳ - حقوقی که از نیاز آد میان برمی خیزد؛ یعنی کسانی که به علتی غیر از تنبلی و تن پروری نتوانستند خود را مستحق دریافت درآمد از راه تلاش و کوشش کنند. اینان یا معلولان و ناتوانان ذهنی و بدنی، سالخوردگان، یتیمان و یا بیماران جامعه یا کسانی اند که به رغم فعالیت و تلاش به مزد واقعی کار خود دست نیافتند. اسلام برای اینان در میان اموال توانمندان جامعه، سهم لازم و واجبی قرار داده است؛ حتی بخشی از اموال توانمندان مانند زکات و ... را مستقیماً حق این محرومان قرار داده است و توانمندان را در این قسمت که سهم نیازمندان است، مالک به حساب نیاورده است: ﴿وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ﴾ (الذاریات/ ۱۹). امام صادق علیه السلام فرمود: خدا در میان اموال توانگران برای تهیدستان حقوقی را به اندازه کفایت آنان، واجب کرده است... با رعایت این معیارها می توان به توزیع عادلانه ثروت پرداخت و به هدف نظام اقتصادی اسلام دست یافت... .

ایشان معتقد است با اجرای این سه محور، از انباشت و تراکم ثروت مانند آنچه در توسعه تکثری جوامع سرمایه داری بروز کرده، جلوگیری خواهد شد. اختلافات جزئی در حد اختلاف درجه وجود خواهد داشت، ولی چنین اختلافی که پس از توزیع برابر فرصت ها و رعایت حقوق و اخلاق اسلامی توزیع درآمد و ثروت، به وقوع پیوسته است، لازمه گردش صحیح مال و ثروت در جامعه خواهد بود (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۸۹، ص ۶۱۸-۶۲۵).

به نظر می رسد مهم ترین شاخصه تعدیل توزیع درآمد و ثروت در الگوی کوثری، که از

اخلاق الاهی و پایه های ایمانی آن ناشی می شود و در نظام های تکاثری جوامع سرمایه داری جایگاهی برای آن یافت نمی شود، وجود راهکارهای مردمی توزیع مانند؛ انفاقات، صدقات، اوقاف، نذورات و ... است. نظام های سرمایه داری معاصر، برای حمایت از فقرا و پوشش نیازهای اجتماعی راهکارهای مختلفی مانند بیمه های اجتماعی و سیاست های مالیاتی را اتخاذ کرده اند، اما به دلیل آن که تمامی این راهکارها به نوعی مبتنی بر ابزارهای اجباری و دولتی هستند، و تأمین منابع مالی آن ها به آسانی میسر نیست. به تدریج به بحران های گوناگون اجتماعی و اقتصادی منجر گردیده و بیش تر دولت های رفاه غربی را در آستانه ورشکستگی کامل قرار داده است (ر.ک: بونولی و همکاران، ۱۳۸۰، ص ۲۴۳). تکافل اجتماعی مسلمانان صدر اسلام نسبت به یکدیگر و وجود جلوه های اعلای ایثار و اخوت ایمانی در میان آنان، کارکرد اعجاز آمیزی در رشد و شکوفایی اقتصادی جامعه نبوی ﷺ به جای گذاشت و در طول تاریخ تمدن اسلامی نیز بسیاری از مخارج اجتماعی مانند اداره مدارس و بیمارستان ها و ساخت اماکن عمومی از طریق درآمد موقوفات تأمین مالی می گردید. بی تردید امروزه نیز سرمایه های عظیمی از انگیزه های ایمانی و روحیه خیرخواهی در جوامع اسلامی وجود دارند که بهره برداری مناسب از آن ها دستیابی به الگوی موفق از توسعه همراه با عدالت را تسهیل خواهد نمود.

۶- مختصات اخلاقی مصرف در الگوی پیشرفت کوثری

یکی از تمایزهای اساسی الگوهای توسعه کوثری و تکاثری، الگوی رفتار مصرفی در این دو الگو است. الگوی مصرف در توسعه تکاثری، همانند کار و تولید آن، تکاثری و تفاخری است. بر پایه مبانی پیشی و اخلاقی این الگو، مصرف و لذت ناشی از آن، عنصر تعیین کننده هویت اجتماعی و غایت تمامی رفتارهای آدمی است. بنابراین تمام درآمدی که به شیوه تکاثری کسب شده است، باید در راه کسب لذت های فردی صرف شود و اگر هم صحبتی از پس انداز به میان می آید، صرفاً برای مصرف در دوره های آینده زندگی دنیوی است.

«اسراف»، «تبذیر» و «اتراف»، از مشخصه‌های بارز الگوی مصرف تکاثری است که در قرآن و احادیث، به شدت نکوهش شده است. در آیات و روایات، گاهی از این گونه مصارف ناروانهی گردیده و گاهی به آثار زیانبار آن‌ها اشاره شده است (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۶۳۰-۶۳۵). یکی دیگر از مشخصه‌های الگوی مصرف تکاثری که از قاعده «حداکثرسازی سود و مطلوبیت حاصل از مصرف» ریشه گرفته است، تبلیغات کالاها و مصرفی به منظور بالا بردن سطح مصرف مخاطبان است. به همین دلیل، استفاده از هر وسیله‌ای اگرچه؛ روش‌های غیراخلاقی مانند تحریک حیوانی‌ترین غرایز انسان و تنزل شخصیت زن در حد وسیله‌ای برای تبلیغ مصنوعات بنگاه‌های تجاری، از اقتضائات جدایی‌ناپذیر این الگو محسوب می‌شود. نکته‌ای که در این زمینه باید به آن توجه شود، این است که در الگوی مصرف تفاخری مصرف نامحدود، برای همه آزاد است، ولی منافع تحریک ذائقه مصرف‌کننده، عمدتاً نصیب گروه ثروتمند خواهد شد. زیرا آنان بدین طریق، از طرفی با افزایش مصرف، شخصیت اجتماعی خود را بیش‌تر به رخ دیگران خواهند کشید؛ و از طرف دیگر، چون که مالکیت بنگاه‌های تولیدی هم غالباً در اختیار همین طبقه است، از افزایش سود و درآمد بنگاه‌ها نیز منتفع خواهند شد. در این میان سهم پابرهنگان فقط نگاهی پراز حسرت و اندوه به زرق و برق زندگی مرفهان و چشم‌هایی خواهد بود که هر شب خسته از این نگاه، روی هم می‌آیند تا مگر نایافته‌های روزگار خویش را در خواب نظاره کنند.

ارزش‌ها و اخلاقیات حاکم بر رفتار مصرفی در الگوی کوثری، به گونه‌ای است که با یک موضع اعتدالی، در عین آن‌که تمایلات معقول و نیازهای متعارف زندگی فرد برآورده می‌شود، به نیازهای معنوی فردی و مصالح اجتماعی زندگی انسان هم عمیقاً توجه می‌شود. آیت الله جوادی آملی در آثار مختلف خود، برخی از شاخصه‌های اصلی مصرف، مانند جایگاه و اهمیت، اهداف، سطوح و حدود آن را در الگوی کوثری تبیین نموده‌اند. ایشان درباره اهمیت مصرف و اهداف آن می‌فرماید:

«در قرآن، بهره‌برداری از نعمت‌های الهی سفارش شده و همه سفارش‌ها درباره کار و

تولید و اهمیت آن، برای مصرف درست و در جهت رشد و تعالی انسان است. مصرف یادشده نیز برای تأمین نیازهای فردی یا اجتماعی است... امام صادق علیه السلام می فرمایند: خدا اموال را برای این که در جهت الاهی هزینه کنید، به شما عطا فرموده است؛ نه این که آن را ببندوزید (کلینی، ۱۳۸۹ ق، ج ۴، ص ۳۲)... از این رو پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره امر اقتصاد... با اشاره به نان که سمبل نعمت‌های دنیوی است، از خدا چنین می خواهد: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ، وَلَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُ؛ فَلَوْلَا الْخُبْزُ مَا صَلَّيْنَا وَلَا صُمْنَا، وَلَا أَدِينَا فَرَائِضَ رَبِّنَا»؛ بار خدایا! نان ما (اقتصاد سالم و جامع) را برکت ده و میان ما و نان ما جدایی نینداز! زیرا اگر نان نباشد، روزه‌داری و نمازگزاری و انجام دادن واجبات دینی، دشوار است. مراد از نان، اقتصاد سالم و جامع جامعه است که هزینه مسکن، پوشاک، درمان، تحصیل و مانند آن‌ها را شامل می شود.

خدا در قرآن مال و ثروت را نعمت خود به بندگان و زمینه شکرگزاری آنان می شمارد و می فرماید: «و به درستی ما شما را در زمین سکونت دادیم و برای شما در آن اسباب زندگی نهادیم. شما اندک سپاسگزاری می کنید.»^۱ در آیه دیگر در پاسخ کسانی که دستوره‌های دین را به امور اخروی محدود کرده، تلاش می کنند معارف و احکام اقتصادی را از دین حذف کنند و دین را صرفاً امری معنوی جلوه دهند، می فرماید: «ای اهل ایمان! طعام‌های پاکیزه‌ای را که خدا برای شما حلال کرده است، حرام نکنید و از مصلحت‌های قانون خدا تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد»^۲ (جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۶۲۵-۶۲۶). به باور بیش تر انسان‌ها، مصرف بیش تر موجب رفاه بیش تر انسان خواهد شد، اما/استاد جوادی آملی چنین باوری را خلاف آموزه‌های اسلامی می داند و می فرماید: «رفاه و آسایش

﴿وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعَايِشَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ﴾ (اعراف/ ۱۰).

۲. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ﴾ (مائده/ ۸۷).

واقعی آدمی در مصرف بی‌رویه نیست؛ بلکه در بی‌نیازی و عدم وابستگی به دیگران است. اگر انسان بتواند خود را از تعلقات دنیایی برهاند و بی‌نیاز سازد، راحت‌تر زندگی خواهد کرد تا این‌که با مصرف بی‌حساب آن امور، خود را بی‌نیاز کند. برخی خود را از مسکن مجلل، مرکب مدرن و بسیاری از زواید زندگی بی‌نیاز می‌بینند. اما گروهی دیگر با بهره‌مندی از این امور، خود را بی‌نیاز می‌پندارند» (همان، ص ۶۳۵).

ایشان بر خلاف نظام سرمایه‌داری که به تمرکز امکانات مصرفی در قطب ثروتمند و محرومیت اکثر جامعه منتهی شده و موضع سوسیالیسم که بر مساوات سطح مصرفی میان تمامی اعضای جامعه تأکید می‌نماید، بر موضع متعادلی از توزیع امکانات مصرفی در میان گروه‌های مختلف اجتماعی تأکید نموده، می‌فرماید: «همان‌گونه که آدمیان در سایر رشته‌های علمی و عملی یکسان نیستند، در مسائل اقتصادی نیز همسان نیستند؛ مانند تفاوت گردش خون در رگ‌های بدن که در برخی از آن‌ها خون بیش‌تر و در بعضی خون کمتر به تناسب همان رگ‌ها جریان دارد؛ و این تفاوت بر اساس نظم طبیعی و تفاوت استعدادهاست. در نیازهای جامعه نیز همین‌گونه تفاوت هست؛ در برخی اقتضای هزینه‌کردن بیش‌تر است و در بعضی به ثروت و هزینه‌های کلان نیاز نیست؛ و این تفاوت برخاسته از نیازهای طبیعی جامعه است. بنابراین اگر در قسمت پرهزینه ثروت کمتر صرف گردد یا در بخش کم‌هزینه ثروت بیش‌تری خرج شود، تعادل جامعه برهم خواهد خورد. (جوادی آملی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۳۴۴؛ و منبع پیشین، ص ۶۲۵).

الگوی کوثری - بر خلاف الگوی قارونی که مال و ثروت را محصول علم و تلاش خود می‌دانست و در مصرف آن هیچ محدودیت الهی را نمی‌پذیرفت - مال را عطیه خدا می‌داند که به رسم امانت در دست انسان قرار گرفته است و باید در چهارچوبی که از طرف خدا



معین شده هزینه شود.^۱ استاد جوادی آملی در تبیین این ویژگی الگوی مصرف کوثری می فرماید:

یک شاخص دیگر در مذمت توسعه تکاثری، این است که توسعه تکاثری همان طور که در تولید توسعه دارد، در مصرف هم توسعه دارد. این را قرآن کریم جلوی را گرفت. جلوی عده‌ای را که چشم و همچشمی شدیدی دارند. در این توسعه، تکاثر مذموم است. محصول مصرف این چنین است که نشان دهد اتومبیلش چه قیمت است، خانه‌اش، فرشش و لوازمش. در همین زمینه در باب مسکن روایاتی است که مرحوم صاحب وسایل نقل کرده است. در یک جا دارد که خانه اگر از فلان حد بگذرد، با توجه به این که هر خانه‌ای معیار خاصی دارد، فرشته‌ها می‌گویند: «یا افسق الفاسقین این ترید؟» یک وقت است که ده نفر یک آپارتمانی دارند. آن‌ها مشمول نقد فرشته‌ها نیستند. برای این که برای ده نفر است. اما یک نفر مرتب می‌سازد و بالا می‌رود، این تکاثر است. توسعه کوثری محمود، برابر فاه است (جوادی آملی، ۱۳۸۹).

مصرف در نگرش الاهی حدودی دارد که انسان را در رشد و تعالی فردی و جمعی یاری می‌دهد و اگر از آن کاسته یا بر آن افزوده شود، نظام معیشت آسیب می‌بیند. امساک در هزینه کردن و نیز محروم کردن دیگران از نعمت‌های الاهی بخل است و زیاده‌روی در هزینه کردن، اسراف شمرده می‌شود. بنابراین اعتدال و میانه‌روی در آن سفارش شده است. بر اساس آیات و روایات می‌توان مصرف را به سه نوع قسمت کرد: مصرف بخیلانه، مصرف مسرفانه،

۱. امام صادق علیه السلام خطاب به عیسی بن موسی :- ای عیسی! مال از آن خدا است که آن را به امانت نزد آفریدگانش نهاده و فرمانشان داده که به میانه‌روی از آن بخورند و بیاشامند و پوشاک برسازند و همسر گیرند و سواری گیرند و آنچه را باقی ماند، به مؤمنان فقیر بازگردانند. پس هر که از این شیوه تجاوز کند، خوردن و آشامیدن و پوشاک بساختن و همسر گزیدن و سواری گرفتنش از آن مال حرام است (مجلسی، همان، ج ۱۰۳، ص ۱۶، ح ۷۴).

و معیشت معتدلانه (ر.ک: جوادی آملی، ۱۳۹۱، ص ۶۲۸-۶۴۰).

در این جا ممکن است گفته شود، از آن جا که مصرف، هدف نهایی تولید است، به نوعی موتور محرک تولید نیز به حساب می آید؛ از این رو محدود نمودن آن به رکود تولید منجر خواهد شد و این امر فرایند توسعه اقتصادی را از رونق خواهند انداخت. علاوه بر این، اگر قرار است در ناحیه مصرف، به قناعت رفتار کنیم، پس کوشش در تولید برای چیست؟ به عبارت دیگر، قناعت در مصرف، اولاً با کوشش در تولید ناسازگار است؛ و ثانیاً به معنای ایجاد ترمز برای نیروی پیش برنده توسعه اقتصادی است.

در پاسخ به این شبهه می گوئیم، این اشکال اولاً به دلیل عدم درک صحیح از محتوای قاعده «کوشش در تولید و قناعت در مصرف» و ثانیاً به سبب خطای تطبیق اقتصاد خرد با کلان است. توضیح مطلب این که قناعت در مصرف، قاعده‌ای برای رفتارهای اقتصادی در سطح افراد و اقتصاد خرد است. این قاعده به ضمیمه کوشش در تولید، به این معناست که افراد در تولید و کسب درآمد، نهایت کوشش خود را به عمل می آورند و درآمد کسب شده نیز اصلاً برای کنز نمودن و خارج کردن مال از چرخه جریان تولید ثروت و یا ریخت و پاش بی حساب و کتاب آن نیست؛ بلکه بر عکس، باید تمامی آن با دقت، ابتدا در تأمین مخارج متعارف زندگی شخصی و سپس مشارکت در تأمین نیازهای اجتماعی و یا سرمایه گذاری برای رفع نیازهای آینده و تقویت بنیه اقتصادی هزینه شود. بنابراین، اصلاً قرار بر این نیست که ثروت تولید شده‌ای از مصرف بازماند تا معمای خست پیش بیاید؛ بلکه مصرف مورد نظر، اعم از مصارف شخصی و اجتماعی و مصارف حال و آینده است و اگر آثار چنین رفتاری را در سطح اقتصاد کلان در نظر بگیریم، روشن است که این امر نه تنها از رونق توسعه اقتصادی نخواهد کاست، بلکه بر آن خواهد افزود؛ چراکه امروزه ثابت شده که تشکیل سرمایه، نقش اصلی را در توسعه اقتصادی بازی می کند و توسعه پایدار نیز در گرو برقراری عدالت اجتماعی است که برای تحقق همزمان آن‌ها راهی جز داشتن الگوی رفتاری مزبور نخواهد بود.

به بیان دیگر، برخلاف الگوی مصرف تکاثری - که رشد مصرف جامعه را از طریق توسعه مصرف طبقه ثروتمند و استفاده از تبلیغات تحریک کننده دنبال می کنند - در الگوی کوثری، مصرف جامعه به صورت متوازن و با رعایت سطح مصرف طبقات پایین، رشد خواهد نمود. از این رو، در سیاست های فرهنگی و تبلیغی ناظر به رفتار مصرفی، باید بر ارزش هایی چون قناعت در مصرف، نگاه کردن به پایین دست تر از خود، انفاق از مازاد درآمد به نیازمندان، پرهیز از اسراف، اتراف، تفاخر و مانند آن، تأکید شود و دقت شود که استفاده از سیاست های تبلیغی تکاثری عمیقاً با ارزش های این الگو مغایر است.

نکته ای که می ماند این است که باید توجه شود داشتن چنین الگوی رفتاری ای در چهارچوب اخلاق طبیعی که انگیزه های انسان را صرفاً برگرفته از تمایلات غریزی می داند، ممکن نخواهد بود. قهراً در آن چهارچوب، قناعت به معنای خست و رکود تولید خواهد بود؛ ولی در چهارچوب اخلاق الاهی چنان که گفتیم، برای توسعه پایدار راهی جز این وجود ندارد.

خلاصه و نتایج

این مقاله در صدد پاسخ به این مسأله بود که با عنایت به مشخصه ها و الزامات توسعه اقتصادی متعارف، آیا می توان از دیدگاه اسلامی، پدیده توسعه اقتصادی را امری ممدوح و مطلوب دانست و آیا چنین پدیده ای با اخلاق و ارزش های اسلامی، سازگاری خواهد داشت؟ پاسخ این مسأله از دیدگاه حکیم متأله و اسلام شناس بزرگ معاصر آیت الله جوادی آملی و با استناد به آثار منتشر شده ایشان، بررسی گردید که خلاصه و نتایج آن عبارت است از:

۱ - توسعه دارای دو رویکرد متفاوت است: توسعه تکاثری که مذموم است و توسعه کوثری که ممدوح است. این ها هر کدام دارای شاخص های اخلاقی و حقوقی مخصوص خود هستند. توسعه کوثری نه تنها حرام نیست و جایز است؛ بلکه بر اساس مبانی و معارف دینی، فرد و جامعه اسلامی، مکلف به تحقق آن هستند.

۲ - توسعه تکاثری مبتنی بر اخلاق طبیعی و حاکمیت تمایلات نفسانی بر کنش های

آدمی است و نتیجه آن در باب رفتارهای اقتصادی، تبعیت از قاعده «حداکثرسازی سود در تولید و حداکثرسازی مطلوبیت در مصرف» است. توسعه کوثری بر اخلاق الهی و حاکمیت ارزش‌های الهی و دینی بر رفتار آدمی مبتنی است که با استفاده از نقل معتبر و برهان عقلی کشف می‌شوند و نتیجه آن در باب رفتارهای اقتصادی، پیروی از قاعده «کوشش در تولید و قناعت در مصرف است».

۳- اهم شاخصه‌های تولید کوثری عبارتند از: کراهت سرمایه‌خوری و لزوم بازشناسی مفهوم سرمایه از مفهوم درآمد به منظور تحفظ بر اصل سرمایه و بهره‌ور ساختن آن و تأمین نیازهای جاری از محل درآمدها، مکلف بودن انسان به عمران و آبادی زمین، عبادت بودن کار و تلاش برای پیشرفت اقتصادی، کراهت بیکاری، کراهت تنبل بودن، کراهت فارغ بودن، کراهت اجیر شدن، توجه به عوامل معنوی بهره‌ورساز اموال در کنار عامل کار و تلاش و بالاخره اینکه، هدف اسلام از سفارش به کار و تولید، انباشتن ثروت نیست. بلکه ایجاد فرصت برای بهره‌برداری از مواهب الهی در رشد و تعالی خود و تأمین نیاز دیگر هم‌نوعان و نیز قراردادن دارایی و ثروت (نعمت) در مسیری است که برای آن آفریده شده است.

۴- اهم شاخصه‌های توزیع درآمد و ثروت در الگوی توسعه کوثری عبارتند از: نفی تداول ثروت در دست گروه خاص ثروتمندان و لزوم همه‌جانبه بودن توسعه به منظور تضمین پایداری آن در طول همه نسل‌ها و در عرض نسل حاضر، رعایت حقوق عام افراد جامعه در استفاده از امکانات، منابع و ثروت‌های عمومی به صورت یکسان بر اساس اصل اباحه و ایجاد فرصت برابر برای همگان، رعایت حقوقی که از کار و تلاش افراد برمی‌خیزد و دادن سهم هر کسی به اندازه نقشی که در ارزش افزوده داشته است، رعایت حقوقی که از نیاز آدمیان برمی‌خیزد (مانند نیازهای معلولان و ناتوانان ذهنی و بدنی، سالخوردگان، یتیمان و یا بیماران جامعه یا کسانی‌اند که به رغم فعالیت و تلاش به مزد واقعی کار خود، دست نیافته‌اند).

۵- اهم شاخصه‌های رفتار مصرفی در الگوی پیشرفت کوثری عبارتند از: مطلوب بودن بهره‌برداری درست از نعمت‌های الهی سفارش شده برای رشد و تعالی انسان، شکرگزاری،

نفی هویت ساز بودن مصرف و اعتقاد به این که رفاه و راحتی واقعی انسان در گرو روحیه بی نیازی و عدم وابستگی به دیگران و رهایی از تعلقات دنیایی است، نکوهش چشم و هم چشمی، تأکید بر لزوم توزیع متوازن امکانات مصرفی در میان گروه های مختلف اجتماعی، اعتقاد به امانت بودن مال در دست انسان و رعایت حدود الاهی در مصرف، خودداری از مصرف بخیلانه و مسرفانه و پایبندی به معیشت معتدلانه.

در خلال مباحث، به منظور آشکار ساختن تمایز شاخصه های مزبور با شاخصه های الگوی تکاثری، برخی از شاخصه های کلیدی الگوی تکاثری را نیز بررسی نمودیم و در موارد لزوم، شبهات احتمالی درباره سازگاری اخلاق الاهی با توسعه اقتصادی را نیز پاسخ دادیم.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. نهج البلاغه.
۳. انصاری، محمدجعفر، عسگر دیرباز، محمدحسین کرمی و محمد مهدی، (۱۳۷۸)، درآمدی به مبانی اقتصاد خرد نگرش اسلامی، چاپ اول، پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
۴. باریور، ایان (۱۳۶۲)، علم و دین، ترجمه بهاءالدین خرمشاهی، مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
۵. بونولی، جولیانو؛ ویک جورج؛ وپیتر تیلرگویی (۱۳۸۰)، دولت رفاه در اروپا، ترجمه هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.
۶. جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۸۰)، منزلت عقل در هندسه معرفت دینی، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
۷. _____، (۱۳۸۹)، توسعه کوثری، مجله همشهری ویژهنامه‌الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
۸. _____، (۱۳۹۱)، مفاتیح الحیاة، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ اول.
۹. _____، (۱۳۸۵)، مراحل اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ ششم.
۱۰. _____، (۱۳۸۸)، تسنیم، تفسیر قرآن کریم، جلد هفدهم، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
۱۱. _____، (۱۳۷۷)، مبادی اخلاق در قرآن، قم، مرکز نشر اسراء، چاپ چهارم.
۱۲. _____، (۱۳۸۷)، پیام به کنفرانس. «اخلاقنا بین النظرية والسلوك، اسباب و معالجات»، بحرین، تاریخ ۱۳ / ۰۸ / ۸۷.
۱۳. _____، (۱۳۹۱ / ۸ / ۱۵)، درس تفسیر سوره قصص، <http://www.islamic.ir/news>

شماره: ۳۰۴۹۶۲.

۱۴. جونز، و. ت (بی تا)، خداوندان اندیشه سیاسی، ترجمه علی رامین.
۱۵. حسینی، سیدرضا (۱۳۸۷)، سیره اقتصادی امام علی علیه السلام، تهران، کانون اندیشه جوان، چاپ پنجم.
۱۶. دادگر، یدالله (۱۳۸۳)، تاریخ تحولات اندیشه اقتصادی، دانشگاه مفید، چاپ اول.
۱۷. درخشان، مسعود (۱۳۹۰)، بحران در ذات نظام سرمایه داری شکل می گیرد، vista.ir دانلود شده در ۱۶/۶/۱۳۹۱.
۱۸. ری شهری، محمد (۱۴۱۶ ق)، میزان الحکمه، دارالحدیث، ویرایش دوم.
۱۹. زید، شارل؛ وریست شارل (۱۳۷۰)، تاریخ عقاید اقتصادی، ترجمه دکتر کریم سنجابی، چاپ سوم.
۲۰. فیتز پتریک، تونی (۱۳۸۱)، نظریه رفاه (سیاست اجتماعی چیست؟) ترجمه هرمز همایون پور، تهران، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو، چاپ اول.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۸۹ ق)، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، الطبعة الثانية.
۲۲. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳)، بحار الأنوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، الطبعة الثانية.
۲۳. نمازی، حسین (۱۳۸۹)، نظام های اقتصادی «ویرایش جدید»، تهران، شرکت سهامی انتشار، چاپ اول.